



ویلیام چیتیک

ترجمہ دکتر انشاء اللہ رحمتی / حسین کیانی



سرشناسه	: ویلیام، چیتیک
عنوان و نام پدیدآور	: عشق الهی / ویلیام، چیتیک؛ ترجمه انشاءالله رحمتی، حسین کیانی
مشخصات نشر	: تهران: سوفیا، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۷۲۰ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۳۵۹-۲-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: (چاپ اول: ۱۳۹۵) (فیبا).
یادداشت	: واژه نامه.
یادداشت	: نمایه.
شناسه افزوده	: رحمتی، انشاءالله، ۱۳۴۵-، مترجم- کیانی، حسین، ۱۳۴۱، مترجم
رده بندی کنگر	: ۱۳۹۵ ع ۵ BP۲۸۸
رده بندی دیویر	: ۲۹۷/۲۱۱
شماره کتابشناسی سی	: ۴۵۱۷۴۱۴

این اثر رسماً به‌ای است از:

William C. Chittick, *Divine Love, Islamic Literature and the Path to God*, Yale University Press, 2013

نشر سوفیا: ۱۳۹۴ ۷۹۵ ۰۹۱۲

پست الکترونیکی: n.sophia1388@gmail.com سایت: www.sophianashr.com

ویلیام چیتیک

عشق الهی

ترجمه:

انشاءالله رحمتی (استاد دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی)

- حسین کیانی

چاپ دوم: ۱۳۹۹

بهاء: ۱۴۰۰۰۰ تومان

شمارگان: ۴۰۰

۰۲۱-۶۶۴۷۵۴۴۷

مرکز پخش: نقش جهان

فهرست مطالب

۱۱ پیشگفتار
۱۷ مقدمه
۴۵ کلام و نوشت‌ها

بخش نخست: بدآ عشق

۴۹ ۱- زمینه‌های مهمان
۵۲ جهان‌بینی اسلامی
۵۹ دو آیه در باره عشق
۶۲ توحید
۶۸ ذات و صفات
۷۴ اسماء مکمل هم
۷۸ رحمت و شفقت
۹۱ عشق ازلی
۹۶ حقیقت محمدی
۱۰۳ ۲- داستان عشق
۱۰۶ میثاق
۱۱۴ امانت
۱۲۰ خلقت آدم
۱۳۳ فضیلت‌های خاک
۱۴۴ حکمت هیوط
۱۵۱ معصیت انسان

۱۶۳	نقش ابلیس
۱۶۹	موقعیت دشوار
۱۸۰	آمرزش الهی
۱۹۳	۳- علم النفس روحانی
۱۹۷	عالم صغیر بشری
۲۰۱	نام‌های لطیفه انسانی
۲۱۲	دگرگونی دل / تقلّب قلب
۲۲۱	رئیت قلبی
۲۲۹	نفس امارا
۲۳۸	عُجب
۲۴۷	مراتب کمال نفس

بخش دوم: حیات عشق

۲۵۵	۴- طلب
۲۵۷	معراج
۲۶۴	عمل به توحید
۲۷۶	مراحل سلوک
۲۹۵	همت، طلب، و یافت
۳۰۹	مرید و مراد
۳۲۳	۵- راه
۳۲۵	دین
۳۳۵	زیبایی تالله
۳۵۰	احسان
۳۵۵	شریعت، طریقت، و حقیقت
۳۶۹	علم و آموختن
۳۷۴	معرفت حق

۳۸۵	۶- احوال سالکان
۳۸۸	معرفت و عشق
۳۹۵	حیات ذکر
۴۰۶	تغییر احوال
۴۱۷	فرق و جمع
۴۲۲	فنا و بقا
۴۲۷	رؤیت خدا

بخش سوم غایت عشق

۴۴۳	۷- حاکمیت عشق
۴۴۴	عشق در نشئه
۴۵۵	عشق در تصرف الهی
۴۶۵	توصیفات عشق
۴۸۱	برگزیده عشق
۴۹۰	اشارات به عشق
۵۰۶	مراحل عشق
۵۱۹	دوستی انسان
۵۳۳	۸- رنج عشق
۵۳۴	فراق و وصال
۵۴۴	بلاهای آدم(ع)
۵۵۴	محنت پیامبران
۵۷۰	راه متابعت
۵۷۶	حیات در ممات
۵۸۶	مادر شادی
۵۹۳	۹- تحقق توحید
۵۹۵	معرفت فقر

۶۱۵ تیغ غیرت
۶۴۳ یگانگی عشق
۶۵۳ نیست شدن در توحید

۶۷۵ پی نوشت‌ها
۶۷۹ کتابنامه
۶۸۹ واژه‌نامه انگلیسی - فارسی
۷۰۷ نمایه

www.ketab.ir

پیشگفتار

طرب عشق عجب ساز و نوایی دارد

نقش هر پرده که زد راه به جایی دارد

عالم زب ال عشاق مبادا خالی

که خوش آهنگ و فرح‌بخش نوایی دارد

حافظ

آیا کسی که عاشق شده باشد، می‌تواند از عشق بنویسد؟ در پاسخ به این پرسش، می‌توان پرسید اساساً کسی هست که عاشق نشده باشد؟ در حقیقت کسی که عاشق نشده باشد نمی‌تواند با قلمی تأثیرگذار از عشق بنویسد، ولی برای آنکه با این نوشتن بتوان چیزی از حقیقت عشق را منتقل ساخت، آدمی باید توانسته باشد از مرحله نخست عشق، که عشق به خویشتن است، فراتر رفته باشد. آدمیان به مرور آنکه به خویشتن خویش، متمایز از دیگران آگاه می‌شوند، عشقشان به خویش آغاز می‌گردد. حتی مردان و زنانی که «از خویش بیزارند» دلیل از دلایل، به آن جزء در درون خویش که «از خویشتن شان بیزار است» بسته‌اند و عشق می‌ورزند. و اما برای انسان اهل معنا، این بیزاری از خویشتن — یا به عبارت دقیق‌تر این بیزاری از خودهای فروتر یا نفس‌ها — مرحله نخست سیر به سوی عشق به چیزی در فوق «خود» و در نهایت عشق به خدا است که از قبل در خانه دل آفریدگان او جای دارد، خواه به آن آگاه باشند و خواه آگاه نباشند. در معنویت اسلامی، فرایند متحقق شدن به حقیقت، مستلزم آگاه شدن به دایره‌روبه گسترش چیزی است که آدمی به آن عشق

می‌ورزد تا اینکه آن دایره پیوسته روبه گسترش به کرانه حضرت حق برسد و آدمی متحقق به عشق خداوند گردد و به علاوه آگاه شود به اینکه این عشق تنها عشق حقیقی است، در عین حال هر عشق دیگر، عشق مجازی است و بازتابی است از آن عشق حقیقی یگانه که به تعبیر دانته در پایان کمدی الهی، «خورشید و ستارگان را به گردش در می‌آورد.»

اینگونه نیست که هر کس که عشق او به «کرانه دیگر هستی» رسیده و طعم عشق به خدا را چشیده است، درباره آن قلم زده باشد. ولی کسانی که این توفیقی یافته‌اند، به دلیل عشقشان به آفریدگان خداوند، که حضرتش با آنها عشق می‌ورزد، در صدد بیان عشق برآمده‌اند. رسالت این قبیل نویسندگان، ترستن درباره عشق برتر بوده است، با این هدف که دیگران را به منزلت راه مشرق ازل هدایت کنند و هیچ هدف دنیوی منظور نظرشان نبوده است. و از آنجا که در مبدأ هستی، عشق و زیبایی با هم ترکیب شده‌اند، و این پیوند ابراهامی در مرتبه بشری نیز تجربه می‌کنیم، شرح‌شان از عشق، چه در نظم و چه در نثر معمولاً، با زیبایی بسیار در بیان، توأمان است.

همانطور که پیشاپیش در قرآن و احادیث می‌بینیم، معنویت اسلامی سرشار از عشق توأم با معرفت اصیل است. اصل محبت در اسلام همواره تأکید ورزیده‌اند که در مرتبه معنوی، عشق و معرفت مکمل هم‌اند. عشق ورزیدن به خداوند، همانا شناختن اوست. زیرا چگونه می‌توان به چیزی که او را نمی‌شناسیم، عشق ورزید؟ «ما اوند حقیقة الحقایق نیز هست، یکی از نام‌هایش الودود یا حب / عشق است و بنابراین نمی‌توان او را بدون عشق ورزیدن به او، شناخت. او حب است و سرچشمه هر حبی است. عارفان مسلمان غالباً میان عشق حقیقی و عشق مجازی فرق می‌گذارند، ولی حتی عشق مجازی نیز فقط نردبانی است که می‌تواند شیفتگان خداوند را به عشق برتر که فقط عشق حضرت اوست،

بالا ببرد. فرمان برتر حضرت مسیح (ع) که به خدا و به همسایه خویش نیز عشق می‌ورزد - از منظر عرفانی، اشاره به دو عشق ندارد، بلکه اشاره دارد به یک عشق واحد که در همه واقیعت ساری و جاری است. همانطور که در آن حدیث قدسی معروف آمده است، خداوند گنج نهران (کنز مخفی) بود که دوست داشت شناخته شود (أَحَبُّبْتُ أَنْ أُعْرَفَ، یعنی «دوست داشتم که شناخته شوم»)، و عالم را بیافرید تا شناخته شود. این حدیث، که عابراً در متون عرفان اسلامی نقل شده آمده است، نه فقط از درهم تنیدگی معرفت و محبت در مبدأ هستی، پرده برمی‌دارد، بلکه افزون بر این گویای آن است که حُبّ الهی توأم با معرفت، علت آفرینش عالم است.

به علاوه این آنجا که خداوند علت غایی همه موجودات است، عشق او به ما، نصیب اندم دارد و همین عشق، علتی است که امکان عشق ورزیدن به او را ما می‌دهد. احمد غزالی، یکی از بزرگترین شارحان معنای عشق در جهان اسلام، در کتاب سوانح می‌نویسد که بزرگ‌ترین امتیاز انسان‌ها این است که خداوند به آنان عشق ورزید، پیش از آنکه بتوانند به او عشق بورزند، چه در آیه مشهور قرآن کریم آمده است *يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ*، «آنان را دوست دارد، و [بنابراین] آنها او را دوست دارند.» و در زبان عربی، که معمولاً به معنای «[حرف عطف]» است در این آیه تلویحاً به معنای «بنابراین» است. آیه نمی‌فرماید که آنها خداوند را دوست دارند و بنابراین خدا آنها را دوست دارد، بلکه می‌فرماید که دوستی از جانب خدا آغاز می‌شود. البته، از نظر بشری، ما باید اراده خویش را برای عشق ورزیدن به خدا به کار بندیم. اما به لحاظ مابعدالطبیعی، نمی‌توان به خداوند عشق ورزید مگر اینکه او به ما عشق بورزد. کسی که خداوند او را به دلیل عصیان‌ش در برابر حضرت حق یا نافرمانی‌اش در قبال فرامین او، دوست نمی‌دارد، البته عشق به خدا را در دل خویش نخواهد یافت، گو اینکه این عشق در دل همه انسان‌ها به یمن انسان بودن‌شان موجود است، حتی اگر چه در بسیاری از موارد، پنهان از

نظر آن کس که به قساوت قلب مبتلا است، مخفی و مکتوم بماند. ممکن است از خود پرسیم که چرا این همه نوشته‌های غربی و مدرن دربارهٔ اسلام، واقعیت محوری عشق در دیانت و معنویت اسلامی را نادیده می‌گیرند و از بحث و بررسی دربارهٔ نسبت میان اسلام و غنای بی‌نظیر منابع اسلامی در زمینه عشق، چه رسد به جایگاه عشق در عبادت یومیه مسلمانان، ابا می‌کنند. این کوتاه‌نگری دلایل بسیار دارد، از آن جمله است مجادلهٔ مسیحیان که دارای سابقه‌ای دیرین در طول قرن‌های متمادی است؛ در آن مجادله مسیحیت در مقابل اسلام، که به زعم آنان، خدایش فقط الهی است، قضاوت و انتقام است، دین محبت معرفی می‌شود. چنان سخر می‌گویند که گویی در مسیحیت دوزخ یا برزخ وجود ندارد و از سوی دیگر از اسلام از عفو، رحمت یا محبت خبری نیست.

اگر چه بحث دربارهٔ این موضوع مهم در این پیشگفتار ممکن نیست، اما همین قدر می‌گویم که اسلام به عنوان یک دین کامل، ضرورتاً بر اهمیت خوف از خدا در حیات دینی آدمی، علاوه بر عشق و معرفت، نیز تأکید می‌ورزد. این نه یک مسلمان، که کتاب مقدس بود که گفت: «بیم از پروردگار، سرآغاز حکمت است»؛ و این گفته، تقریباً واژه به واژه در حدیث معروفی از پیامبر (ص) تکرار شده است. بر این شناخت خدا، باید به او عشق ورزید و برای عشق ورزیدن به او، باید از او بیم داشت. بیم از خدا را نباید با معنای عادی بیم به عنوان یک حالت عاطفی منفی، خلط کرد. همانطور که ابو حامد محمد غزالی گفته است، وقتی کسی از آفریده‌ای می‌ترسد، از او می‌گریزد، ولی وقتی کسی از آفریدگار می‌ترسد، به سوی او می‌شتابد. در نفس آدمی، چیزی است که او را مانع از دستیابی به کمال معنوی می‌شود. آن چیز باید از طریق بیم از جلال خدا و عدالت او، تضعیف شود تا اجزاء برتر نفس برای عشق ورزیدن به خدا، آزاد شوند. از منظر بشری، مراتب خوف، عشق و معرفت موجود است که نفسی که در مسیر کمال سیر می‌کند، باید این مراتب را یکی پس از

دیگری بیازماید.

کتاب حاضر یکی از هوشمندانه‌ترین و معتبرترین آثار است که در موضوع عشق در معنویت اسلامی به زبان انگلیسی نگاشته شده است. ممکن است برخی خرده بگیرند و بگویند این کتاب ناقص است، زیرا فقط تا سده ۱۲/۶ را بررسی می‌کند [و به منابع بعد از آن نمی‌پردازد]؛ ولی این ایراد وارد نیست، زیرا مبتنی بر جهل نسبت به ماهیت شکوفایی در برخی سنت معنویت اسلامی است. آری، بسیاری از نویسندگان مسلمانان پس از سده ۱۲/۶، آثار مهمی در زمینه عشق به نظم و نثر تألیف کرده‌اند، ولی سده ۱۲/۶، نقطه عطفی برای سده‌های بعدی بود و محدود داشته‌ها خویش به سده‌های متقدم‌تر به معنای غفلت از هیچ یک از تعالیم اساسی معنویت اسلامی در باب عشق نیست.

به علاوه، آثار حاضر فقط به آثار متثور در زبان‌های عربی و فارسی می‌پردازد. خواننده ممتکر است پرسد چرا با وجود شاهکارهای منظوم بسیار در باب عشق، آثار شعری در این اثر گنجانده نشده‌اند. در پاسخ می‌توان گفت پیش از این، حمیدت و ترجمه‌های بی‌شماری در زمینه سنت شعری، انجام شده است و از آن - ملاحظه است کتاب معروف خود چیتیک با عنوان طریق عرفانی عشق که در ص ۶۰ بحث آن، اشعار یکی از بزرگترین اساتید صوفیه است که پیوسته رسمه عشق را ساز می‌کند و او جلال‌الدین بلخی است. در مقابل، سنت غنی اثر منثور در باب عشق، در مغرب زمین تقریباً ناشناخته است. ترجمه‌های دقیق مؤلف، از رشته‌های شخصیت‌هایی مانند میدی و سمعانی، گشاینده باب یک جهان استی تمام و کمال است، جهانی که اهمیت بسیار دارد و تا به حال، برای خوانندگان انگلیسی زبان، عملاً ناشناخته است. باید به نویسنده به خاطر ترجمه‌های دقیق و تحلیل‌های نافذش و افزون بر این به دلیل انتخاب سنجیده‌اش در مورد آثار استی که به آنها می‌پردازد، آفرین گفت.

نویسندگان عارفی که در اینجا به آثارشان پرداخته می‌شود، عشق را نه